

تجربه زیسته معلمان دوره ابتدایی از فرصت‌ها و چالش‌های تدریس در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد): یک مطالعه پدیدارشناسی

فهیمة عباسی^{۱*}، الهه حجازی^۲، رضوان حکیمزاده^۳

F. Abasi^{1*}, E. Hejazi², R. Hakimzadeh³

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۲۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۳

Received Date: 2020/05/20

Accepted Date: 2020/09/11

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، تحلیل ادراک معلمان ابتدایی در خصوص فرصت‌ها و چالش‌های تدریس در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد) بود. این مطالعه با استفاده از رویکرد کیفی و طرح پدیدارشناسانه صورت گرفت. **روش:** به‌منظور گردآوری داده‌ها از مصاحبه کیفی نیمه ساختاریافته استفاده شد. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، پس از انجام ۲۱ مصاحبه اشباع داده‌ها حاصل شد.

یافته‌ها: تحلیل عمیق دیدگاه‌های معلمان، موجب شناسایی و دسته‌بندی ده فرصت شامل: جبران عقب‌افتادگی تحصیلی در ایام قرنطینه، افزایش مسئولیت‌پذیری و درگیری بیشتر اولیا با فرآیند یاددهی-یادگیری دانش‌آموزان، افزایش سرعت انتقال اطلاعات و ارائه اطلاعات جدید، ایجاد انگیزه در معلمان برای ارتقاء سواد رسانه‌ای، شناخته شدن معلمان توانمند و خلاق و فراهم شدن زمینه‌ای برای به اشتراک گذاشتن فایل‌ها و تجارب معلمان، افزایش مسئولیت‌پذیری معلمان برای مطالعه بیشتر، جذاب و برانگیزاننده بودن استفاده از آن برای دانش‌آموزان، علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به دانش روز و پژوهش کردن، انعطاف‌پذیری در ساعت شروع کلاس و حذف تردهای پرهزینه، پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان برای ارائه تکالیف به شیوه‌ای نو و نه چالش شامل: عدم دسترسی همه دانش‌آموزان به فضای مجازی به‌ویژه در مناطق محروم و ایجاد نابرابری در فرصت آموزش، سنگین بودن هزینه‌های اینترنت برای خیلی از خانواده‌ها، کند بودن سرعت اینترنت، دشوار بودن سنجش یادگیری واقعی دانش‌آموزان و سلب شدن قدرت نظارت از معلم، اعتماد برخی دانش‌آموزان به اینترنت و گوشی، استفاده بی‌جا و بی‌رویه از مطالب دیگران، عدم وقت‌گذاری برخی معلمان به امر تدریس و ارزیابی، استفاده از نرم‌افزار به‌عنوان ابزار تبلیغات، کاهش انگیزه برخی دانش‌آموزان نسبت به تحصیل در شیوه جدید تدریس گردید.

کلید واژه‌ها: ادراک معلمان، شبکه آموزشی دانش‌آموزان، شاد، مدارس ابتدایی، رویکرد کیفی.

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی-دانشکده روانشناسی-دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران

* نویسنده مسئول:

مقدمه و بیان مسئله

همه‌گیری^۱ بیماری کروناویروس^۲، شرایط را برای همه دنیا در بخش‌های مختلف دشوار کرده است. انتشار ویروس کرونا که از اواسط ماه دسامبر (۲۴ اذر) در شهر ووهان^۳ چین آغاز شد، به تدریج تمام کشورهای جهان (تاکنون ۲۰۲ کشور) را درگیر کرد (IRNA, 2020). در ۳۰ ژانویه ۲۰۲۰، سازمان جهانی بهداشت با انتشار بیانیه‌ای، شیوع کرونا ویروس را یک وضعیت اضطراری بهداشت عمومی اعلام کرد که تهدیدی برای تمام جهان، به‌شمار می‌رود (Liu et al, 2020). اگرچه همه اقشار و گروه‌های سنی در معرض خطر این بیماری قرار دارند، اما با توجه به جمعیت بالای دانش‌آموزان، تراکم کلاس‌های درسی، استفاده از امکانات و فضاهای عمومی و مشترک و در نتیجه آن پیامدهای سلامتی و احتمال بالای انتقال ویروس از طریق این گروه به آحاد جامعه، مراقبت و کنترل فضاهای آموزشی از نخستین اقدامات کشورهای مبتلا به این بیماری بوده است. در ششم مارس حدود ۲۹۱ میلیون کودک و جوان به دلیل تعطیلی گسترده آموزشگاه‌ها توسط دولت‌ها به‌منظور کند کردن شیوع کرونا به اجبار از حضور در مدرسه محروم شدند. نوزده کشور تمام مدرسه‌ها در قلمرو خود را تعطیل کردند و این باعث ضربه به دانش‌آموزان پایه‌های پیش‌دبستانی تا دبیرستان گردید (UNESCO, 2020).

در پی بحران بیماری کرونا ویروس در نقاط مختلف جهان، شیوع کرونا ویروس در ایران به‌صورت رسمی در ۲۹ بهمن ۱۳۹۸ تأیید شد (Fare News Agency, 2020). در پی شیوع این ویروس در ایران، با توجه به حجم گسترده دانش‌آموزی در کشورمان مدارس از هفته اول اسفندماه تعطیل اعلام شد و این تعطیلی تا اواخر سال ۹۸ و حتی بعد از شروع تعطیلات رسمی سال ۹۹ تداوم یافت؛ اما سیاست دولت در این دوره تعطیلات این بوده است که «مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل است؛ لکن آموزش و یادگیری تعطیل نیست». بر همین اساس سازوکارهای بسیار گسترده‌ای برای پیشبرد امور آموزشی و تحقیقاتی با تمرکز بر بستر فضای مجازی و آموزش از راه دور طراحی و تدوین گردید.

آموزش و پرورش در ابتدا آموزش‌های مکمل را از طریق شبکه آموزش در راستای استمرار فعالیت‌های یادگیری برای دانش‌آموزان آغاز کرد تا آموزش در کشور تعطیل نباشد. به‌طوری‌که زمان آموزش در تلویزیون چهار برابر شد. آموزش‌های تلویزیونی علی‌رغم امکان پوشش بالا و فراگیری قابل قبول؛ به دلیل ماهیت یک‌طرفه بودن ارتباط، پاسخگوی تعامل مورد انتظار در جریان یادگیری نسبتاً فعال نیست و آموزش و پرورش نیز نمی‌تواند به یک سنجش مطمئن از ارتباط فراگیران با آموزش معلمان، دست پیدا کند، به همین دلیل باید به دنبال شیوه‌ای می‌بود که با اطمینان بالا بتواند، شکل گرفتن ارتباط مؤثر معلمان و دانش‌آموزان در جریان یاددهی و یادگیری را با کیفیت تعاملی قابل قبول، توصیف و ارزشیابی کند.

1. pandemic

2. Coronavirus

3. Wuhan

در کنار آموزش‌های تلویزیونی از معلمان خواسته شد تا جریان آموزش را از طریق پیام‌رسانهای داخلی پیگیری نمایند. معلمان در راستای عمل به تعهد حرفه‌ای خویش اغلب به‌صورت خودجوش و پراکنده، با هزینه خویش در امر آموزش دانش‌آموزان در فضای مجازی حضور پیدا کردند؛ اما به دلیل عدم انسجام، آمار دقیقی از حجم و میزان خدمات آن‌ها به دانش‌آموزان وجود نداشت. به‌منظور ساماندهی آموزش مجازی دانش‌آموزان در وزارت آموزش و پرورش، شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد) طراحی و پیاده‌سازی شد. ساختار شبکه آموزشی شاد همانند ساختار مدرسه واقعی است یعنی دانش‌آموزان وارد کلاس مجازی می‌شوند و معلم در همان زمان مطابق با برنامه کلاسی که مدیر مدرسه ارائه می‌دهد، حضور دارد و فرآیند یاددهی و یادگیری را دنبال می‌کند. نظارت بر کلاس درس مجازی معلمان و حضور و غیاب دانش‌آموزان بر عهده مدیر و کادر اداری مدرسه است. در عرض مدت کوتاهی پس از پیاده‌سازی این شبکه آموزشی ۸ میلیون و ۳۲۱ هزار دانش‌آموز، ۵۶۹ هزار و ۴۳۱ معلم و ۱۱۵ هزار و ۳۰۱ مدیر مدرسه در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد) ثبت‌نام کردند (Ministry of Education, 2020). تدریس مواد درسی توسط معلم، محتوای اصلی آموزش مجازی در شبکه شاد را تشکیل می‌دهد، اما معلم در انتخاب محتوای آموزشی مناسب آزاد است و می‌تواند ضمن استفاده از برنامه‌های ضبط‌شده آموزشی تلویزیونی که حدود یک ماه است در تلویزیون بارگذاری می‌شود، از محتواهای معرفی شده شبکه رشد وابسته به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، به اشتراک‌گذاری محتواها با اعضای گروه‌های درسی، برنامه‌های تولیدی گروه‌های آموزشی و دبیرخانه‌های دروس و... استفاده کنند.

شبکه شاد با وجود چشم‌انداز خوب برای آموزش از راه دور دانش‌آموزان مشکلاتی نیز برای معلمان ایجاد کرده است. مهم‌ترین نقد آن‌ها به زیرساخت‌های فنی این برنامه به‌ویژه سرعت پایین آن است که عملاً جریان آموزش را با مشکل مواجه کرده است؛ آن‌ها می‌گویند «ارسال هر فایل زمانی طولانی می‌برد و در برخی مواقع آن‌قدر طولانی می‌شود که صبر معلم را سرریز می‌کند... عدم دسترسی به برخی دانش‌آموزان به‌ویژه در مناطق محروم نیز از دیگر مشکلات معلمان است. معلمان می‌گویند «برخی دانش‌آموزان گوشی ندارند و حتی در هزینه‌های روزمره زندگی خود مانده‌اند؛ دانش‌آموزی که گوشی هوشمند ندارد چه حسی پیدا می‌کند وقتی وزیر آموزش و پرورش می‌گوید همه باید برنامه شاد را روی گوشی‌های خود نصب کنند و کلاس‌های درس در این فضا تشکیل می‌شود... حتی برخی معلمان معتقدند «آموزش و پرورش دچار یک خطای مهم شده است؛ یعنی به جای تمرکز بر آموزش تلویزیونی و جدی‌تر گرفتن آن بدین جهت که بیشتر دانش‌آموزان به تلویزیون دسترسی دارند در حال تمرکز و پرداختن به آموزش مجازی است که قطعاً جمعیت جاماندگان از آموزش مجازی بیشتر است...» (Tasnim News Agency, 2020). برخی کارشناسان تعلیم و تربیت با پذیرفتن این چالش‌های برنامه شاد، ایجاد انگیزه برای معلمان در استفاده از تکنولوژی، شناسایی و معرفی معلمان توانمند و خلاق، به اشتراک‌گذاری تجارب معلمان توانمند و دانش آن‌ها، گسترش عدالت آموزشی با

ارسال مطالب آموزشی از نقاط مختلف کشور، شبکه‌ای رسمی برای پایش سطوح مختلف آموزشی، فرصتی برای برنامه‌های توانمندسازی معلمان و تبدیل مدیران مدارس به‌عنوان تصمیم‌گیر و برنامه‌ریز و هم‌چنین شناسایی مدیران کارآمد و غیرکارآمد مدارس را از فرصت‌های شبکه آموزشی شاد دانسته‌اند (IRNA, 2020).

به‌رغم شناسایی اثرات و پیامدهای مثبت و منفی فهرست شده برای برنامه شاد در نشریات مختلف، مطالعه مدونی در این زمینه صورت نگرفته و ابعاد آن به‌طور علمی موردبررسی قرار نگرفته است. از طرفی شروع کار این شبکه مجازی با دانش‌آموزان دوره ابتدایی بود. لیکن در سیستم آموزشی دوره ابتدایی ما تقریباً هیچ تجربه و پشتوانه و تمرین آموزش مجازی وجود نداشت و ناگهان صفر تا صد آموزش به اجبار در این فضا برده شد. باید توجه داشت که نظام آموزش ابتدایی به دلیل نقش بی‌بدیلی که در شکل‌دهی به بنیان‌های تربیتی جوامع دارد، از رسالت و جایگاه رفیعی برخوردار است (Cranston, Mulford, Keading, and Reid, 2010)؛ به‌نحوی که می‌توان تعالی جامعه و تحقق اهداف کلان آن را متأثر از کیفیت این نظام دانست. نتیجه مطالعات سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۱ نشان می‌دهد که کیفیت نظام آموزشی و به‌ویژه آموزش ابتدایی، محور بنیادین رشد اقتصادی پایدار، کاهش فقر، افزایش ظرفیت پاسخ‌گویی به فضای رقابتی کار و فناوری در جهان امروز و به‌طور کلی، رفاه عمومی کشورها است (OECD, 2011).

رهیافت‌ها و پیشنهادهای برگرفته از این مطالعه، بر ضرورت توجه به نظرات و خواسته‌های معلمان دوره ابتدایی کشورمان به‌عنوان تسهیلگران امر تربیت به‌منظور غنی‌سازی بستر آموزش الکترونیکی از طریق توجه به دیدگاه‌ها، شناسایی خواسته‌ها و رفع مشکلات موجود صحنه گذارده است. هر چند پژوهش‌هایی در داخل و خارج از کشورمان معطوف به بررسی ادراک معلمان و شناسایی چالش‌های موجود حوزه آموزش مجازی بوده است (Zamani and Asemi, 2014; Syarifah and Handayani, 2019; Ha and Lee, 2019; Apergi, Anagnostopoulou and Athanasiou, 2015). عمیق و تحلیل ادراک معلمان دوره ابتدایی از چالش‌ها و فرصت‌های تدریس در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد)، می‌تواند به ما در عمق بخشیدن به شناخت از موضوع و ارائه راهکارهایی برای تقویت آن کمک کند. با توجه به خلا موجود در این زمینه، این مطالعه با استفاده از رویکرد کیفی و طرح پدیدارشناسی، به بررسی و تحلیل ادراک معلمان به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در هدایت فرآیند یاددهی یادگیری، در شبکه آموزشی شاد می‌پردازد. بدین منظور هدف اصلی این مطالعه شناسایی ادراک معلمان مدارس ابتدایی از چالش‌ها و فرصت‌های تدریس در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد) است.

1. Organisation for Economic Cooperation and Development (OECD)

روش پژوهش

این پژوهش در پارادایم تفسیرگرایی و به شیوه کیفی صورت گرفته است. تحقیق کیفی یک روش بین‌رشته‌ای، فرا رشته‌ای و گاه ضد رشته‌ای است که انسان‌گرایی را با علوم طبیعی و انسانی مرتبط می‌سازد (Denzin and Lincoln, 2010). در پژوهش‌های کیفی محقق به دنبال کشف لایه‌های عمیقی از معنا، آن‌طور که توسط افراد مورد مطالعه تجربه و تفسیر می‌شود، دست به کنکاش و بررسی می‌زند. از پارادایم کیفی که مورد تمرکز ماست، متدولوژی (روش‌شناسی) خاصی حاصل می‌شود که در دل خود روش‌های مختلفی را برای پاسخ به سؤالات مورد اشاره ارائه می‌کند. از جمله این روش‌ها، پدیدارشناسی^۱ است. پدیدارشناسی طرحی نظام‌دار و دقیق که خاستگاه آن فلسفه است، به جلوه‌گری و نمایاندن ادراکات تجربه انسانی در مورد انواع پدیده‌ها می‌پردازد. پدیدارشناسی به جهان، آن‌چنان که به‌وسیله یک فرد زیسته، می‌شود نه جهان یا واقعیتی که چیزی جدای از انسان باشد، توجه دارد. لذا این پرسش را مطرح می‌سازد که «تجربه زیسته چه نوع تجربه‌ای است؟» زیرا پدیدارشناسی می‌کوشد معانی را آن‌چنان که در زندگی روزمره زیسته می‌شوند، آشکار نماید (Chenari, 2006).

(Polkinghorne, 1983) توجه به تجربه زیسته را به‌منزله تلاش برای فهم یا درک فهم یا درک معانی تجربه انسان، آن‌چنانکه زیسته می‌شود تلقی می‌کند. «جهان زندگی» همان تجربه‌ای است که بدوت تفکر ارادی و بدون متوسل شدن به طبقه‌بندی کردن یا مفهوم‌سازی، حاصل می‌شود و معمولاً شامل آن چیزهایی است که مسلم دانسته می‌شوند یا متداول هستند. هدف مطالعه جهان زندگی، بازبینی تجارب بدیهی پنداشته شده و آشکار ساختن معانی جدید و یا مغفول مانده است.

شیوه جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر از نوع مصاحبه نیمه ساختار یافته است که با استفاده از «راهنمای مصاحبه» صورت می‌گیرد؛ یعنی فهرستی از سؤالات و موضوعات مکتوب که باید در یک توالی خاص دنبال شوند اما در صورت طرح مضامین جالب در خلال مصاحبه نیز دست محقق برای پرسیدن سؤالات پیش‌بینی نشده، باز است. سؤالاتی که در این مصاحبه حول دو محور مهم تنظیم شده بود:

- معلم گرامی، با توجه به تجربه تدریس‌تان در سال تحصیلی جاری در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد)، چه فرصت‌هایی را در استفاده از این شبکه متصور می‌دانید؟
- با توجه به اینکه در دوره ابتدایی هیچ تجربه و پشتوانه و تمرین آموزش مجازی وجود نداشت، در فرآیند تدریس در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد) با چه چالش یا چالش‌هایی مواجه بودید؟

مشارکت‌کنندگان

جامعه آماری این پژوهش را معلمان شاغل رسمی دوره ابتدایی آموزش و پرورش که عضو شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد) بودند و در ایام تعطیلی مدارس طبق زمان‌بندی ارائه شده از وزارت آموزش و پرورش در فضای مجازی آنلاین بوده و مشغول به تدریس بودند، تشکیل می‌دادند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع یا ناهمگونی است. در این راهبرد، محقق با شناسایی افرادی که دارای اطلاعات مرتبط با موضوع تحقیق هستند و اصطلاحاً مطلعین نامیده می‌شوند، آغاز می‌کند و سپس طیف وسیعی از افراد مشابه به‌طور هدفمند انتخاب می‌شوند، به شیوه‌ای که همه انواع افراد در امتداد یا برحسب یک یا چند بعد در تحقیق وارد شوند. یکی از دلایل استفاده از این روش آن است که کسی مدعی نشود محقق انواع خاصی از موارد را در نظر نگرفته است. فرآیند نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی معمولاً تا زمانی ادامه می‌یابد که مصاحبه‌های جدید، اطلاعات بیشتری به موارد قبلی اضافه نکنند و محقق شاهد تکرار الگوهای داده‌ای باشد. در پژوهش حاضر معلمان دوره ابتدایی وارد پژوهش شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. فرآیند نمونه‌گیری تا ۲۱ مورد ادامه یافت و پس از آن محقق شاهد اشباع نظری داده‌ها بود. ملاک‌های ورودی پژوهش شامل:

۱. شاغل رسمی بودن در دوره ابتدایی
۲. داشتن ابلاغ سیستمی تدریس تمام وقت در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ در یکی از پایه‌های اول تا ششم ابتدایی در مدارس دولتی
۳. عضویت در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد) و داشتن برنامه تدریس آنلاین در گروه مخصوص به کلاس خود.

جدول ۱: لیست و مشخصات معلمان شرکت کننده در مصاحبه

کد معلم	جنسیت	سابقه تدریس	تحصیلات	محل خدمت	کد معلم	جنسیت	سابقه تدریس	تحصیلات	محل خدمت
۱	زن	۲۶ سال	لیسانس	مدرسه پسرانه شهری	۱۲	زن	۲۸ سال	دیپلم	مدرسه دخترانه شهری
۲	زن	۱۸ سال	فوق لیسانس	مدرسه دخترانه شهری	۱۳	زن	۲۷ سال	لیسانس	مدرسه دخترانه شهری
۳	زن	۱۳ سال	فوق لیسانس	مدرسه پسرانه شهری	۱۴	زن	۲۵ سال	لیسانس	مدرسه دخترانه شهری
۴	زن	۱۱ سال	لیسانس	مدرسه دخترانه روستایی	۱۵	زن	۱۳ سال	فوق لیسانس	مدرسه پسرانه شهری
۵	زن	۱۳ سال	فوق لیسانس	مدرسه پسرانه شهری	۱۶	زن	۲۸ سال	دیپلم	مدرسه پسرانه شهری
۶	مرد	۲۲ سال	لیسانس	مدرسه پسرانه روستایی	۱۷	زن	۱۴ سال	لیسانس	مدرسه پسرانه شهری
۷	مرد	۳ سال	دانشجوی دکتری	مدرسه پسرانه شهری	۱۸	زن	۲۲ سال	لیسانس	مدرسه پسرانه شهری
۸	زن	۱۴ سال	دانشجوی دکتری	مدرسه دخترانه روستایی	۱۹	زن	۱۸ سال	لیسانس	مدرسه پسرانه شهری
۹	مرد	۱۸ سال	دانشجوی دکتری	مدرسه پسرانه روستایی	۲۰	زن	۲۸ سال	فوق دیپلم	مدرسه دخترانه شهری
۱۰	زن	۱۴ سال	فوق لیسانس	مدرسه دخترانه شهری	۲۱	زن	۲۲ سال	لیسانس	مدرسه دخترانه شهری
۱۱	زن	۱۲ سال	لیسانس	مدرسه دخترانه شهری	-	-	-	-	-

زمان و مکان مصاحبه

با توجه به اینکه این پژوهش در دوران شیوع بیماری کرونا و ایام قرنطینه بیماری صورت گرفته است، تمام مصاحبه‌ها به صورت تلفنی انجام گرفت. بدین صورت که با انجام هماهنگی لازم با معلم مربوطه اقدام به تماس تلفنی با ایشان نموده و با اجازه ایشان متن مصاحبه‌ها جهت تحلیل دقیق تر ضبط گردیدند. زمان انجام مصاحبه‌ها ۴۵ دقیقه تا نهایتاً یک ساعت انجام شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش خود Chambers (1998) معتقد است که تحلیل داده‌ها در پژوهش‌های پدیدارشناسی طی گردآوری داده‌ها شروع می‌شود. زمانی که پژوهشگر درگیر گوش دادن فعالانه، انعکاس محتوا، تصریح کردن و درک کردن می‌شود. هدف از تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش پدیدارشناسی حفظ یگانگی هر تجربه زیسته و درعین حال ممکن ساختن فهم معنای پدیده است (Banonis, 1989). برای تجزیه و تحلیل و به دست آوردن درک و تفسیر بیشتر از تجربه زیسته، (Collaizzi, 1969; (1978 فرآیند هفت مرحله‌ای از تجزیه و تحلیل داده‌ها را توصیف می‌کند که برای کمک به تفسیر و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، استفاده شده است. روش کلایزی بدین صورت است که ابتدا توصیفات مشارکت‌کنندگان به منظور هم احساس شدن با آن‌ها خوانده می‌شود. دوم، به هر کدام از پروتکل‌ها رجوع و عبارات مهم استخراج می‌شود. سوم، معنای هر عبارت مهم که تحت عنوان مفهوم تنظیم شده مطرح است، توسط پژوهشگران شکل می‌گیرد. چهارم، مفاهیم تنظیم شده در دسته‌های موضوعی سازمان‌دهی می‌شود. پنجم، یافته‌ها به درون یک توصیف جامع از پدیده مورد نظر تلفیق می‌شود. توصیف جامع از پدیده مورد پژوهش، به شکل یک بیانیه روشن تنظیم می‌شود. در آخر نتایج به مشارکت‌کنندگان بازگردانده شده و در مورد یافته‌ها از آنان سؤال می‌شود. کلایزی معتقد است که محققین باید نسبت به این مراحل انعطاف‌پذیر باشند. (Diekelmann, Allen and Tanner, 1989) معتقدند این راهنمایی‌ها برای مطالعات پدیدارشناسی مهم می‌باشند. آن‌ها نشان می‌دهند که جستجو برای جوهره پدیده و معنای آن در درون یک زمینه تعریف شده، فقط یک تکنیک یا یک سری از مراحل مکانیکی نیست، بلکه آشکار نمودن معانی است که نیاز به تعلیق، شهود و تفکر را دنبال می‌کند.

برای حصول اطمینان از روایی پژوهش و به منظور اطمینان خاطر از دقت بودن یافته‌ها از دیدگاه پژوهشگر، از نظرات ارزشمند اساتید آشنا با این حوزه و خبرگان دانشگاهی که در این حوزه خبره و مطلع بودند، استفاده شد. هم‌چنین به‌طور هم‌زمان از مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد. برای محاسبه پایایی نیز از روش پایایی بین دو کدگذار استفاده شد. در مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار^۱، از یکی از اساتید روانشناسی تربیتی آشنا به کدگذاری درخواست شد تا به‌عنوان کدگذار ثانویه در پژوهش مشارکت کند. در ادامه محقق به همراه این همکار پژوهش، تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کرده و درصد توافق درون موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود را محاسبه کرد که پایایی حاصل از دو کدگذار با توجه به محاسبات ۸۳ درصد به دست آمد که بیانگر پایایی مناسب بود.

1 inter coder reliability (ICR)

یافته‌های پژوهش

در مجموع، تحلیل عمیق دیدگاه‌های آن‌ها، به ترتیب فراوانی پاسخ‌های به‌دست‌آمده، موجب شناسایی و دسته‌بندی ده فرصت شامل: جبران عقب‌افتادگی تحصیلی در ایام قرنطینه، افزایش مسئولیت‌پذیری و درگیری بیشتر اولیا با فرآیند یاددهی-یادگیری دانش‌آموزان، افزایش سرعت انتقال اطلاعات و ارائه اطلاعات جدید، ایجاد انگیزه در معلمان برای ارتقاء سواد رسانه‌ای، شناخته شدن معلمان توانمند و خلاق و فراهم شدن زمینه‌ای برای به اشتراک گذاشتن فایل‌ها و تجارب معلمان توانمند، افزایش مسئولیت‌پذیری معلمان برای مطالعه بیشتر، جذاب و برانگیزاننده بودن استفاده آن برای دانش‌آموزان، علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به دانش روز و پژوهش کردن، انعطاف‌پذیری در ساعت شروع کلاس و حذف تردهای پرهزینه، پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان برای ارائه تکالیف به شیوه‌ای خاص گردید. در ادامه هر یک از فرصت‌های برشمرده، مورد تحلیل قرار گرفته شده است.

الف) جبران عقب‌افتادگی تحصیلی در ایام قرنطینه

اولین و شاخص‌ترین فرصتی که تقریباً تمامی معلمان به آن اذعان داشتند توانایی دسترسی به دانش‌آموزان در ایام تعطیلات و تعطیل نشدن آموزش بود. «تدریس در دوره ابتدایی دغدغه زیادی داره باید مرتب چک کنی که بچه‌ها اومدن، کتاب آوردن، تکالیف نوشتن، خوب یاد گرفتن، برای یادگیری آمادگی کافی دارن ... وقتی معلم ابتدایی هستی این نیست که سی‌چهل تا دانش‌آموز داشته باشی مثل این است که سی‌چهل تا بچه داری. یک پیوند عاطفی عمیق بین دانش‌آموز و معلم برقرار می‌شه درسته که شبکه آموزش در ایام تعطیلات در تلاش برای جبران عقب‌افتادگی تحصیلی دانش‌آموزان بود و قدم‌های خوبی هم برداشت ولی واقعیت اینه که بچه دوره ابتدایی به معلم خود خیلی وابسته هس با روش تدریس او، با خلق‌وخو و حتی صدای او انس گرفته هیچ مدرسی نمی‌تونه جای خود معلم رو برای بچه بگیره... معلمان ابتدایی هم در این مدت خیلی نگران دانش‌آموزان خودشون بودن... این شبکه مجازی تونست پل ارتباطی خوبی بین معلمان و دانش‌آموزان باشه»

ب) افزایش مسئولیت‌پذیری و درگیری بیشتر اولیا با فرآیند یاددهی-یادگیری دانش‌آموزان

اکثریت معلمان (۱۵ نفر از ۲۱ نفر) متذکر شدند که با مجازی شدن فضای تدریس و اینکه شبکه شاد برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی روی گوشی اولیا نصب شده، اولیا بیشتر در جریان آموزش قرار گرفته‌اند و حس مسئولیت‌پذیری آنان بیشتر شده و حتی این امر باعث پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کم مسئولیت در کلاس شده است «من هر عصر برنامه فردا رو تو گروه قرار میدم به مامان می‌گم تا فردا

صبح ساعت ده فرصت دارین گروه رو چک کنین برنامه رو بخونین و برای بچه‌ها توضیح بدین و ایشون انجام بدن و از ساعت دوازده تا دو ظهر هر تکلیفی رو که من خواستم تو گروه برام ارسال کنین. وقتی اولیا در جریان تکلیف قرار می‌گیرن اون دانش‌آموزانی که تو کلاس دفتر یادداشت نمی‌نوشتن و تو خونه می‌گفتن خانم هیچی نگفت تکالیفشون رو انجام میدن و میفرستن بنظر من این کمک اولیا در فرآیند یاددهی-یادگیری یه حسن بزرگه». معلم کد ۱۲ نیز در این ارتباط می‌گه «یکی از اولیا تو خصوصی برام پیام داده بود که حسین تو اجتماعی امروز نیاز به تلاش شده خجالت کشیدم برگش رو تو گروه بفرستم اگه میشه یه فرصت دیگه بهش بدین دوباره بخونه و ازش بپرسم ... اولیا پیگیری و اهتمام بیشتری دارن تا بچه‌هاشون عملکرد تحصیلی خوبی داشته باشن مخصوصاً وقتی قرار میشه برگه آزمون مداد-کاغذی رو تو گروه بفرستن و بچه‌ها و اولیای دیگه هم ببینن...». به زعم معلمان درگیری بیشتر اولیا با فرآیند تدریس به بهره‌گیری از شیوه‌های ارزشیابی کیفی توصیفی نظیر والدسنجی که کمتر در زمان آموزش حضوری از آن استفاده می‌شد، نیز منجر شده است.

ج) افزایش سرعت انتقال اطلاعات و ارائه اطلاعات جدید

غالب معلمان اذعان داشتند (۱۲ تا معلم از ۲۱ تا معلم) با مجازی شدن تدریس امکان بهره‌گیری از عکس، فیلم، پاورپوینت و... در این زمینه فراهم شده است. معلم کد ۱۹ می‌گوید «وقتی در کلاس می‌خواستم یک عکس به بچه‌ها نشان بدهم باید گوشی خودم رو تو کلاس می‌گردوندم تا بچه‌ها یک عکس رو ببینن فیلم که اصلاً نمیشد چون کلاس ما کامپیوتر و پروژکتور نداشت اما الان راحت کلی در مورد اون موضوعی که می‌خواهم عکس می‌فرستم اون دفعه می‌خواستم بگم بچه‌ها با چوب‌بستنی جامدادی رومیزی درست کنن خیلی راحت و سریع تونستم چن تا ایده از سایت‌های مختلف انتخاب و به‌عنوان الگو و ایده به بچه‌ها نشون بدم... یا وقتی موضوع درس در مورد حالت‌های مختلف مواد هست میتونم به بچه‌ها بگم انواع ماده‌هایی که تو خونشون، تو محیط اطرافشون میبینن رو نگاه کنن با اجازه مادرشون از اونا فیلم بگیرن و حالت‌های مختلف ماده یعنی جامد، مایع، گاز رو نشون بدن این کار تو کلاس مقدور نبود و باید از قبل به بچه‌ها میگفتم کلی وسایل از خونه‌هاشون می‌آوردن ولی الان خیلی راحت و سریع این بحث رو میتونم تدریس کنم...»

د) افزایش مسئولیت‌پذیری معلمان برای مطالعه بیشتر

معلمان افزایش مسئولیت‌پذیری برای مطالعه بیشتر، دقیق شدن در موضوع، بیان دقیق و رساتر و یافتن مثال‌های ملموس‌تر و عینی‌تر و بهتر را از مزایای تدریس در شبکه شاد می‌دانستند. معلم کد شماره ۲ در این زمینه می‌گوید: «وقتی می‌خواهی تدریس کنی و فیلم بگیری و تو گروه بفرستی چون اولیا هم می‌بینن و برخی اولیا تحصیلات عالی دارن باید خیلی مراقب باشی مثلاً من می‌خواستم

خطوط موازی و مورب رو برای بچه‌ها توضیح بدم مجبور شدم برم به دور کامل قضیه دو خط موازی و یک خط مورب رو تو ریاضی بخونم تا تسلط کامل داشته باشم. شاید اگر همین موضوع رو می خواستم در کلاس توضیح دهم مرور نمی‌کردم ولی می‌دونستم دو تا از اولیام لیسانس ریاضی دارند... یا فصل آخر کتاب ریاضی در مورد آمار و احتمال بود چون می‌خواستم فیلم بگیرم از تدریسم مجبور شدم به مروری کنم و یک توضیح کوتاهی در مورد اینکه آمار یعنی چی احتمال به لحاظ لغوی یعنی چی و ... داشته باشم ... بنظر من چون تدریس معلم در معرض دید اولیا قرار گرفته معلم اهتمام بیشتری برای مطالعه و تدریس بهتر دارد...».

ه) شناخته شدن معلمان توانمند و خلاق و فراهم شدن بستر به اشتراک گذاشتن فایل‌ها و تجارب معلمان

برخی معلمان اذعان می‌داشتند که این بستر فضای مجازی باعث شناخته شدن معلمان توانمند و خلاق شده است. معلم کد ۵ می‌گوید «این فضا باعث شد برخی معلمان توانمند بیشتر شناخته بشن مثلاً همین که بعضی معلمان توانستند به‌عنوان مدرس دروس ابتدایی در شبکه آموزش حضور پیدا بکنند و تدریس خوبی هم داشتند، خوب این تدریس یک توانمندی هست یا برخی معلمان شروع به درس کردن کلیپ‌های آموزشی کردند که واقعاً جالب بود و چندین معلم توانستند از این کلیپ‌ها استفاده کنن... در کل بستر خوبی برای شناخته شدن توانمندی و خلاقیت معلمان بود.»

و) ایجاد انگیزه در معلمان برای ارتقاء سواد رسانه‌ای

یکی دیگر از نقاط قوتی که معلمان برای تدریس مجازی برشمردند ایجاد انگیزه در معلمان برای کار با تکنولوژی بود. یکی از معلمان در این زمینه می‌گوید «من خودم آشنایی خوبی با تجهیزات الکترونیکی دارم و اغلب تو کلاس از کامپیوتر و پروژکتور استفاده می‌کنم البته اگه اون مدرسه‌ای که می‌روم این تجهیزات رو داشته باشه با این حال این تدریس فضای مجازی باعث شد چن تا نکته خوبی یاد بگیرم مثلاً گوشی من آیفون بود و متأسفانه وزارت آموزش و پرورش نسخه ios این برنامه رو ارائه نکرد و من مجبور شدم برنامه رو رو لپ‌تاپم نصب کنم. برا همین مجبور شدم نسخه اندروید رو دانلود و برنامه شبیه‌ساز اندروید رو رو لپ‌تاپم نصب کنم. خب من قبلاً نمی‌دونستم که این برنامه هست و باهاش قبلاً کار نکرده بودم. برای خیلی از همکاران هم این بستر باعث شده به سری نکاتی رو یاد بگیرن به عبارتی به جور توفیق اجباری شده برامون.»

ز) جذاب و برانگیزاننده بودن استفاده آن برای دانش‌آموزان

بنظر معلمان، چون بچه‌های ابتدایی تا به حال تجربه حضور در کلاس مجازی را نداشتند و هیچ‌گاه پیام‌رسانی که مختص آن‌ها باشد و نام و عکس آن‌ها روی آن قرار گرفته باشد، نداشتند این تجربه برای آنان خیلی جالب و برانگیزاننده بود. معلم کد ۵ در این زمینه می‌گوید «اینکه بچه می‌تواند صدای خودش رو ضبط کنه و تو گروه بفرسته برایش خیلی جذابه... من گاهی به بچه‌ها میگم یک فعالیت مثلاً پرتاپ تاس رو تو خونه انجام بدن و فیلم بگیرن و تو گروه بفرستن تا بچه‌های دیگه هم ببینن و یاد بگیرن وقتی فیلم رو نگاه می‌کنم می‌بینم چقدر بچه اعتمادبه‌نفس پیدا کرده، چقدر احساس کارآمدی داره، از اینکه میتونه یک مدرس باشه، اینکه همه مامانها همه بچه‌ها دارن فیلم اونو نگاه میکنن...» یا معلم دیگری در این زمینه گفت: «من به بچه‌ها میگم هر درس قرآن رو که خوندن دو خطش رو روخوانی کنن و صداشون رو ضبط کنن و تو گروه بفرستن... وقتی به صدای بچه‌ها گوش می‌کنم می‌بینم چقدر با ذوق و شوق این کار رو انجام دادن... شاید تو کلاس میگفتم دو خط قرائت کن به این زیبایی قرائت نمی‌کرد...».

ح) علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به دانش روز و پژوهش کردن

بنظر معلمان تدریس در فضای مجازی این پیامد مثبت را نیز به همراه داشته است که دانش‌آموزان یاد گرفتند تنها منبع یادگیری کتاب و تنها محل یادگیری مدرسه و کلاس نیست. بلکه گوشی تلفن همراه و تلویزیون هم می‌تواند ابزار یادگیری و نه سرگرمی باشد. دانش‌آموز می‌تواند گوشی در دست بگیرد و یک کلیپ آموزشی ببیند، دانش‌آموز می‌تواند به جای کارتون از تلویزیون فیلم آموزشی ببیند. معلم کد ۲۰ در این زمینه می‌گوید: «من به بچه‌ها و اولیا شبکه رشد رو معرفی کردم. گفتیم می‌تونید فایل‌های قرائت قرآن کتاب و فایل‌های قرائت شعرهای فارسی رو از این سایت که سایت معتبری هست، دانلود کنید. همچنین به بچه‌ها سایت واژه‌یاب رو معرفی کردم که بتونن معنی هر لغتی رو که خواستن در فرهنگ‌های لغت مختلف جستجو کنن آخه من پایه ششم تدریس می‌کنم و بچه‌ها استفاده از فرهنگ لغت رو باید یاد بگیرن و ما تو مدرسه فرهنگ لغت‌های مختلف رو نداشتیم... بنظرم شناختن سایت‌های معتبر برای یافتن پاسخ سؤال جزو گام‌های اول پژوهش است...».

ط) انعطاف‌پذیری در ساعت شروع کلاس و حذف تردهای پرهزینه

به نظر برخی معلمان تدریس در فضای مجازی این حسن را دارد که ساعت آموزشی دیر شروع می‌شود. به نظر آنان حضور در ساعت هفت یا هفت و نیم صبح در مدرسه به‌ویژه برای دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی خیلی زود و دشوار است. به نظر آنان در شهرهای بزرگ به‌ویژه تهران به دلیل دوری مسافت زمان بیدار شدن از خواب برای یک دانش‌آموز کلاس اولی خیلی زود است و این باعث خواب‌آلودگی

دانش آموز در ساعت‌های اول و دوم می‌شود. به زعم آنان عملاً ساعت اول کلاس کارآیی چندانی برای یک دانش‌آموز کلاس اولی ندارد و صرفاً برای خوردن صبحانه و بررسی تکالیف صرف می‌شود. درحالی‌که در این شرایط موجود همه دانش‌آموزان از خواب کافی برخوردار بوده و صبحانه را کنار خانواده صرف و سپس به تحصیل می‌پرداختند. بنظر معلمان، در شرایط کنونی، هر معلمی می‌تواند با توجه به پایه تدریس خود ساعت شروع آموزش را انتخاب کند. معلمی می‌گوید: «من پایه چهارم تدریس می‌کنم کلاس من از ساعت ۱۰ تا ۲ ظهر است از ۱۰ تا ۱۲ بچه‌ها فعالیت‌ها و تکالیف ارسالی را انجام می‌دهند و از ساعت ۱۲ تا ۲ همه آنلاین می‌شویم و من تکالیف را بررسی و بازخورد می‌دهم. سپس توضیحات لازم را در خصوص درس جدید می‌دهم...».

ی) پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان برای ارائه تکالیف به شیوه‌ای نو

برخی معلمان (۴ تا از ۲۱ معلم) اذعان داشتند که این بستر باعث پرورش خلاقیت دانش‌آموزان شده است. معلم کد ۱۷ می‌گوید «وقتی از بچه‌ها تکالیف می‌خواهم چون قرار است همه در گروه تکالیفشون رو بفرستن سعی می‌کنن به بهترین شکل ممکن اونو انجام بدن مثلاً از بچه‌ها خواسته بودم با استفاده از نمک یک آویز زینتی درست کنن و هر جای خونشون که دوست دارن بچسبونن و ازش عکس بگیرن و بفرستن. می‌دیدم که بچه‌ها در درست کردن آویزها چه خلاقیتی به خرج داده بودن و چه آویزهای قشنگی درست کرده بودند مثلاً یکی از بچه‌ها اسم خواهر کوچیکشو که تازه بدنیا اومده بود رو با نمک درست کرده بود با چن تا قلب رنگی و تو اطاق خواب بچه آویزان کرده بود و عکس گرفته بود. خیلی قشنگ و کاربردی بود... یا برخی بچه‌ها تکالیف خودشون رو در قالب کلیپ ... ارائه می‌کردند...».

چالش‌های ادراک شده از سوی معلمان در خصوص تدریس در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد)

در این بخش سعی گردید به‌گونه‌ای عمیق‌تر، ضمن توجه به فرصت‌های برنامه شاد، بر شناسایی چالش‌ها تمرکز گردد تا از رهگذر شناخت نقاط قابل بهبود، به‌منظور ارتقای وضعیت موجود و کاهش چالش‌ها و اثرات برنامه شاد، راهکارهایی پیشنهاد گردد. پژوهشگر هنگامی که در فرآیند گفت‌وگو از معلمان پرسید «در فرآیند تدریس در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد) با چه چالش‌هایی مواجه بودید؟، با انبوهی از نظرات آن‌ها مواجه شد. به‌طور کلی، تحلیل عمیق دیدگاه‌های آن‌ها موجب شناسایی و دسته‌بندی نه دسته از چالش‌ها گردید که در ادامه نه مقوله به همراه برخی از مصادیق آن، مورد کنکاش عمیق قرار گرفته است. این مقوله‌ها شامل: عدم دسترسی همه دانش‌آموزان به فضای مجازی به‌ویژه در مناطق محروم و ایجاد نابرابری در فرصت آموزش، سنگین بودن هزینه‌های اینترنت برای خیلی از خانواده‌ها، کند بودن سرعت اینترنت، دشوار بودن سنجش یادگیری واقعی

دانش‌آموزان و سلب شدن قدرت نظارت از معلم، اعتماد برخی دانش‌آموزان به اینترنت و گوشی، استفاده بی‌جا و بی‌رویه از مطالب دیگران، عدم وقت‌گذاری برخی معلمان به امر تدریس و ارزیابی، استفاده از نرم‌افزار به‌عنوان ابزار تبلیغات، کاهش انگیزه، شوق و حساسیت برخی دانش‌آموزان نسبت به یادگیری و تحصیل.

پیش از بازنمایی ادراک معلمان مشارکت‌کننده، لازم به یادآوری است که برخی از ضعف‌ها، ماهیتی و برخی عارضی بوده و ناشی از عدم تسلط آموزش‌دهندگان و فراگیران به مهارت‌های موردنیاز در حوزه آموزش الکترونیکی بوده است. در ادامه به ویژگی هر یک از مقوله‌های نه‌گانه، با استفاده از تعدادی از نقل‌قول‌های معلمان پرداخته شده است.

الف) عدم دسترسی همه دانش‌آموزان به فضای مجازی به‌ویژه در مناطق محروم و ایجاد نابرابری در فرصت آموزش

تقریباً تمامی معلمان اذعان داشتند که تدریس در فضای مجازی زمینه‌ساز ناعدالتی آموزشی شده است. یکی از معلمان که در روستا تدریس می‌کند می‌گوید: «من در این مدت فقط به ده نفر از دانش‌آموزانم دسترسی داشتم چون بقیه دانش‌آموزانم اولیاشون اصلاً سواد ندارند، نمیدونن گوشی هوشمند چیه، نحوه نصب برنامه و استفاده از اینترنت رو بلد نیستن... خوب این دانش‌آموزان جاموندن». یکی از معلمان دیگر نیز که در جنوب شهر تدریس می‌کند می‌گوید: «چن تا از دانش‌آموزانم تو گروه نبودن میدونستم مادرشون بی‌سوادن زنگ زدم به ماماناشون گفتند خانوم ما بلد نیستیم برنامه نصب کنیم گفتیم تلویزیون چی میتونین شبکه آموزش ببینین گفت نه خانوم تلویزیونمون این شبکه رو نمیگیره منم مجبور شدم از نماینده کلاس کمک بگیرم بهشون زنگ زدم و گفتم تا حالا من هر چی تکلیف فرستادم کپی کن و بی‌زحمت براش ببر و هزار بنویسه بعد دو سه هفته تحویل بگیر عکساشو برا من بفرس نماینده کلاس خیلی خانوم خوبیه خیلی همکاری خوبی کرد...».

ب) سنگین بودن هزینه‌های اینترنت برای خیلی از خانواده‌ها

سنگین بودن هزینه اینترنت برای خانواده‌ها نکته دیگری بود که تقریباً همه معلمان به آن اذعان داشتند. معلم کد ۷ در این زمینه می‌گوید «براساس اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و دانش‌آموزان برای تحصیل در مدارس دولتی هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند، اما حالا برای استفاده از مدرسه مجازی شاد باید هزینه اینترنت دهند. اولیا نیز در این زمینه به ما گلایه می‌کنند که مدام باید برای فرزندانمان بسته اینترنتی خریداری کنیم و هزینه تحصیل به این شکل به خانواده‌ها فشار می‌آورد. خانواده‌ها به تحصیل فرزندانشان اهمیت زیادی می‌دهند و براین اساس هر تلاشی می‌کنند تا فرزندشان از درس و مشق عقب نیفتد، اما در این شرایط کشور که به دلیل پیشگیری از شیوع

کرونا، موضوع قرنطینه و ماندن در خانه مطرح شد و شغل‌ها تعطیل بود، به نظر می‌آید که هزینه کردن برای تحصیل بسیار سخت است».

ج) کند بودن سرعت اینترنت

مشکل سرعت اینترنت از دیگر مهم‌ترین مشکلات برشمرده معلمان در بحث آموزش مجازی بود. معلم کد ۸ در این زمینه می‌گوید «معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی مطابق برنامه دریافتی از سوی اداره باید صبح‌ها در ساعات مقرر در برنامه شاد آنلاین باشند و این ترافیک اینترنت باعث می‌شود سرویس‌دهی ضعیف شود. وقتی سرعت اینترنت پایین است باید حجم فیلم‌ها را کاهش دهیم تا بتوانیم آن‌ها را ارسال کنیم. بعضی وقت‌ها هم هر چقدر تلاش می‌کنیم ارسال نمی‌شود و مجبور می‌شویم دوباره به پیام‌رسان‌های داخلی برگردیم. من خودم هم تو شاد و هم در روبیکا گروه دارم. بعضی وقت‌ها شاد جوابگوی خوبی نیست من نمی‌توانم به راحتی و هر موقع خواستم فیلم‌ها و کلیپ‌هایی را که می‌خواهم بفرستم مجبورم برخی اوقات از پیام‌رسان روبیکا استفاده کنم... برخی همکاران هم مجبورن فیلم‌ها و کلیپ‌هایی را که می‌خواهند شب‌ها ارسال کنند و این باعث از بین رفتن هماهنگی می‌شود. برخی دانش‌آموزان هم به بهانه کند بودن سرعت اینترنت سر ساعت در گروه حاضر نمی‌شوند یا تکالیف خودشان رو نمی‌فرستن و بعضی‌ها می‌بینی یکی دو روزه نیستن و دسترسی نداشتن به اینترنت رو بهانه می‌کنن...».

د) دشوار بودن سنجش یادگیری واقعی دانش‌آموزان و سلب شدن قدرت نظارت از معلم

برخی معلمان (۱۲ نفر از ۲۱ نفر) معتقدند سنجش یادگیری واقعی دانش‌آموزان در شرایط مجازی برای معلمان دشوار شده است. یکی از معلمان می‌گوید «برنامه شاد امکان تدریس و ارزشیابی آنلاین را ندارد و صرفاً یک پیام‌رسان مثل پیام‌رسان‌های دیگر برای گفت‌وگو و تبادل نظر است. وقتی من برگه آزمون رو در گروه می‌فرستم نمی‌دونم داره چطوری حل میکنه از کی کمک میگیره، چقدر کمک میگیره، ... گرفتن آزمون از دانش‌آموز دوره ابتدایی مثل دانش‌آموزان دوره‌های دیگر نیست مثلاً وقتی از کلاس اولی آزمون مداد-کاغذی ریاضی میگیری همزمان شروع به خواندن سوالا می‌کنی بعضی وقت‌ها مثال‌هایی که تو کلاس زدی رو یاد بچه میاری ... بعضی وقت‌ها دست‌سازه‌هایی که تو کلاس آویزون شده رو نشون بچه میدی ... واقعیتش اینه که کلاس درس ابتدایی صرفاً یک کلاس نیست یک بافت خاص یادگیری هست نمی‌توان انتظار داشت که بچه در منزل با هدایت مادر همان یادگیری و همان عملکرد را داشته باشد و یا متأسفانه برخی مادرها به دلیل دلسوزی بی‌جا پاسخ‌ها رو به بچه‌ها میگن و وقتی ما برگه رو صحیح می‌کنیم چون شناخت نسبی از بچه داریم متوجه میشیم... خوب تدریس و ارزشیابی در فضای مجازی شاید برای دوره متوسطه خوب باشه ولی برای بچه ابتدایی خیلی

مناسب نیست. معلم، کلاس، هم‌کلاسی‌ها، دست‌سازهای کلاسی ... همه با هم یک کل منسجم رو تشکیل می‌دهند که یادگیری بچه در اون معنا پیدا میکنه و اتفاق میفته».

ه) وابستگی برخی دانش‌آموزان به اینترنت و گوشی

به اعتقاد برخی معلمان خواسته یا ناخواسته تدریس در فضای مجازی باعث شده است برخی دانش‌آموزان به اینترنت و گوشی وابستگی زیادی پیدا کنند. معلم کد ۲۱ می‌گوید «آشنایی نداشتن دانش‌آموزان با فضای مجازی، کند بودن سرعت اینترنت، زیاد بودن تکالیف و ... باعث می‌شد دانش‌آموزان ساعات زیادی رو در فضای مجازی و اینترنت به سر ببرند. در روزهای اول ارائه برنامه شاد خیلی از دانش‌آموزان نمی‌توانستند احراز هویت کرده و وارد گروه کلاسی خود بشوند و چند روز از صبح تا شب درگیر بودند. یا برخی وقت‌ها دانش‌آموزان چند ساعت درگیر ارسال عکس و تکالیف درخواستی معلم می‌شوند و این می‌تواند زمینه‌ساز وابستگی دانش‌آموز به گوشی و فضای مجازی و آسیب‌پذیری دانش‌آموزان شود».

و) استفاده بی‌جا و بی‌رویه از مطالب دیگران

برخی معلمان عنوان می‌کردند هستند معلمان کم‌مسئولیتی که بی‌رویه مطالب را از گروه و کانال‌های دیگر برای دانش‌آموزان کلاس خود ارسال می‌کنند. معلم کد ۱۹ در این زمینه می‌گوید: «بنظر من کلیپ‌ها و مطالب‌های آماده موجود باید به‌عنوان رسانه کمکی در جریان تدریس به‌کار گرفته شود. واقعیت این است که دانش‌آموزان هر کلاس با کلاس دیگر و مناطق دیگر فرق دارند و معلم با توجه به شناختی که از دانش‌آموزان کلاس خود به دست آورده اقدام به تدوین محتوا، فراهم کردن ابزار و رسانه و شیوه ارزشیابی نماید. متأسفانه برخی معلمان کم‌مسئولیت هر مطلبی را از گروه‌ها و کانال‌های مختلف برداشته و در گروه خود نشر می‌دانند که محتوای برخی از آنان نه‌تنها کمک‌کننده نبود بلکه می‌توانست گمراه‌کننده هم باشد. من به‌شخصه قبل از هر تدریسی ابتدا خودم مطلب رو توضیح داده فیلم می‌گرفتم و اون رو تو گروه ارسال می‌کردم. برخی اوقات هم برخی نکات یا فعالیت‌ها رو می‌گفتم تا بچه‌ها انجام بدن و فیلم بگیرن و در گروه بفرستن و در آخر اگر کلیپی یا پاورپوینتی می‌دیدم که تکمیل‌کننده کار من است و دیدن آن می‌تواند مؤثر باشد در گروه برای بچه‌ها می‌فرستادم. اینکه بدون نگاه کردن به فیلمی و صرفاً دیدن در یک کانال و گروهی اون رو به دانش‌آموزان بفرستی کار درستی نیست و صرفاً وقت دانش‌آموزان را می‌گیرد».

ز) عدم وقت‌گذاری برخی معلمان به امر تدریس و ارزیابی

برخی معلمان اذعان می‌داشتند که تدریس در فضای مجازی باعث شده برخی معلمان از مسئولیت‌شان خالی کنند و صرفاً به ارسال چند تا کلیپ آماده و برگه مداد-کاغذی اکتفا کنند. معلمی در این

زمینه می‌گوید: «یکی از همکاران ما دروس اجتماعی و هدیه رو اصلاً تدریس نمی‌کند و فقط عنوان درس رو مشخص می‌کند تا بچه‌ها خودشون بخونن فعالیت‌هاش رو انجام بدن و سوال‌هاش رو پیدا بکنن... بنظر من این شیوه درست تدریس و ارزشیابی در دوره ابتدایی نیست. دانش‌آموزان دوره ابتدایی مثل دانش‌آموزان متوسطه یادگیرندگان مستقل نیستند و لازم است قبل از ارائه درس پیش سازمان‌دهنده‌ای از موضوع به آنان ارائه شود... مثالهای ملموس و واقعی برای آنان بیان شود... صرفاً حفظ طوطی‌وار و سرسری مطالب کارساز نیست و ایده‌ال نظام آموزشی هم نمی‌باشد».

ح) استفاده از نرم‌افزار به‌عنوان ابزار تبلیغات

برخی معلمان عنوان می‌کردند که فضای مجازی بعضاً خواسته یا ناخواسته تبدیل به بستر تبلیغات شده است. معلمی می‌گوید: «وقتی کلیپی رو به‌صورت آماده در گروه ارسال می‌کنی برخی معلمان متوجه زیرنویس تبلیغاتی کلیپ‌ها نیستن. به نظر من باید فضای مجازی برای آموزش دانش‌آموزان عاری از هرگونه تبلیغات باشه».

ط) کاهش انگیزه برخی دانش‌آموزان نسبت به تحصیل در شیوه جدید تدریس

برخی معلمان معتقد بودند برخی بچه‌ها تدریس به این شیوه را زیاد جدی نمی‌گیرند. آنان معتقدند هنوز دانش‌آموزان دوره ابتدایی خودتنظیم نشده‌اند و لازم است معلم از آن‌ها کار بخواهد. بر فرآیند یادگیری آنان نظارت داشته باشد. وقتی معلمی نیست دانش‌آموزان آن حساسیت لازم را مخصوصاً در خانواده‌هایی که اولیا نیز دغدغه‌چندانی برای تحصیل بچه‌ها ندارند، از دست می‌دهند. معلمی می‌گوید «وقتی از دانش‌آموز شفاهی درس می‌پرسی و بلد نیست شرمند می‌شود و تو مصری که وی یاد بگیرد و دوباره و دوباره می‌پرسی و این باعث تلاش دانش‌آموز برای ارتقای عملکرد تحصیلی‌اش می‌شود... دانش‌آموزان کم‌مسئولیت الان به بهانه‌های مختلف (عدم دسترسی به اینترنت، مریض بودن، در سفر بودن پدر که گوشی هوشمند کنار وی هست و ...) از زیر بار مسئولیت یادگیری شانه خالی می‌کنند...»

به‌طور کلی می‌توان فرصت‌ها و چالش‌های تدریس در شبکه شاد را از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی را در جدول ذیل دسته‌بندی کرد:

جدول ۲: فرصت‌ها و چالش‌های تدریس در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد) از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی

فرصت‌ها	چالش‌ها
فرصت‌های معطوف به معلم	فرصت‌های معطوف به دانش‌آموز
<ul style="list-style-type: none"> ارتقاء سواد رسانه‌ای افزایش مسئولیت‌پذیری برای مطالعه بیشتر توسعه خلاقیت و نوآوری در تدریس استقلال عمل بیشتر 	<ul style="list-style-type: none"> عدم تعلیق آموزش و یادگیری یادگیری مبتنی بر خود-هدایتی و نظارت والد-محور یادگیری مهارت استفاده از فضای مجازی توسعه خلاقیت در انجام تکالیف
<ul style="list-style-type: none"> عدم دسترسی مناسب به شبکه مجازی در نقاط مختلف کشور هزینه بر بودن اینترنت کند بودن سرعت اینترنت 	<ul style="list-style-type: none"> چالش‌های زیرساختی و فنی چالش‌های ایجاد شده در فرآیند یاددهی-یادگیری
<ul style="list-style-type: none"> وابستگی دانش‌آموزان به فضای مجازی و آسیب‌پذیری آنان استفاده بی‌جا و بی‌رویه از مطالب دیگران استفاده از نرم‌افزار به‌عنوان ابزار تبلیغات 	<ul style="list-style-type: none"> دشواری بودن فرآیند ارزشیابی دانش‌آموزان ارائه محتواها و آزمون‌های ناکارآمد آموزشی افت عملکرد تحصیلی برخی دانش‌آموزان به دلیل جدی نگرفتن آموزش مجازی

بحث و نتیجه‌گیری

با افزایش بهره‌گیری از فناوری اطلاعات در حوزه آموزش، ایجاد محیط‌های یادگیری بدون محدودیت‌های زمانی و مکانی روی اینترنت امکان‌پذیر شده است. این محیط‌ها یادگیرندگان را قادر می‌سازد تا به محتوای درسی دست یابند، ایده‌هایشان را به اشتراک بگذارند و با مشارکت‌کنندگان آنلاین دیگر بحث و گفت‌وگو داشته باشند (Chen, Wei and Yang, 2008; Traphagan, Kucsera and Kishi, 2010). شبکه‌های اجتماعی مجازی را می‌توان نوعی از آموزش از راه دور به حساب آورد، لذا این‌گونه آموزش می‌تواند در موقعیت‌هایی که امکان حضور معلم و فراگیر در یک کلاس درس وجود ندارد، بسیار مفید و کاربردی باشد. در کشورمان در پی شیوع بیماری کرونا و تعطیلات ناخواسته مدارس، تهیه نرم‌افزار شبکه شاد بستر مناسبی را برای آموزش از راه دور فراهم کرد. با شروع راه‌اندازی برنامه شاد و استمرار فرآیند یاددهی-یادگیری در این فضای مجازی، ذی‌نفعان آموزش و پرورش با چالش‌هایی مواجه شدند. از طرفی مسئولین تعلیم و تربیت کشور عنوان نمودند حرکتی که در حوزه آموزش مجازی به خاطر تهدید کرونا صورت گرفت، تبدیل به یک فرصت شده است که می‌توان در زمان بازگشایی مدارس بستر شبکه شاد را به‌عنوان مکمل برنامه درسی و برای گسترش عدالت آموزشی به‌کار گرفت (Rouz News, 2020).

لذا در پژوهش حاضر سعی گردید تا فارغ از هر گونه قضاوتی، ادراک و باورهای معلمان در خصوص فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از تدریس معلمان دوره ابتدایی در فضای مجازی و شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد)، کشف و بازنمایی گردد. بررسی ادراک و باورهای معلمان، به دلیل حساسیت جایگاه آن‌ها در نظام آموزشی، از اهمیت فوق‌العاده‌تری برخوردار است. هر چند مصاحبه کیفی با نمونه محدودی از مشارکت‌کنندگان، نمی‌تواند نتایج قابل‌تعمیمی را به لحاظ آماری در برداشته باشد، اما می‌تواند لایه‌های پنهان و عموماً مغفول مانده در این حوزه را بیشتر آشکار نماید. نتایج پژوهش حاضر، رشته‌ای از مشکلات معلمان در هنگام تدریس در شبکه شاد را آشکار نمود که نیازمند باز مدیریت و ترمیم هوشمندانه توسط نهادهای اثرگذار است. در مجموع تحلیل عمیق دیدگاه‌های معلمان، موجب شناسایی ده نقطه قوت در دو دسته فرصت‌های معطوف به معلم و فرصت‌های معطوف به دانش‌آموز و نه چالش در سه دسته چالش‌های زیرساختی و فنی، چالش‌های ایجاد شده در حوزه فرآیند یاددهی-یادگیری و چالش‌های فرهنگی-اجتماعی گردید.

مقوله‌های به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر در خصوص چالش‌های تدریس در فضای مجازی و شبکه آموزشی شاد شامل عدم دسترسی همه دانش‌آموزان به فضای مجازی به‌ویژه در مناطق محروم و ایجاد نابرابری در فرصت آموزش، سنگین بودن هزینه‌های اینترنت برای خیلی از خانواده‌ها، کند بودن سرعت اینترنت، دشوار بودن سنجش یادگیری واقعی دانش‌آموزان و سلب شدن قدرت نظارت از معلم، اعتیاد برخی دانش‌آموزان به اینترنت و گوشی، استفاده بی‌جا و بی‌رویه از مطالب دیگران، عدم وقت‌گذاری برخی معلمان به امر تدریس و ارزیابی، استفاده از نرم‌افزار به‌عنوان ابزار تبلیغات، کاهش انگیزه برخی دانش‌آموزان نسبت به تحصیل در شیوه جدید تدریس، با برخی از یافته‌های پژوهش‌های پیشین همسو است. از جمله Parhizi et al (2014) طی پژوهشی با عنوان چالش‌های آموزش مجازی به دسته‌بندی موارد مغل در آموزش مجازی پرداخته و آن‌ها را در سه دسته تقسیم‌بندی کردند. دسته اول مشکلات فنی است که در آن به ضعف در زیرساخت‌ها و نبود ارتباط چهره به چهره بین مدرس و فراگیرنده و کاهش امنیت در اطلاعات اشاره شده است. دسته دوم مشکلات مهارتی و عدم تطابق مدرسان با آموزش بر خط است که عدم آشنایی با محیط مجازی و ساختار آن، دشواری ارزیابی کیفیت یادگیری فراگیران، مقاومت مدرسان برای ورود به عصر فن‌آوری و تغییر شیوه‌های ارزیابی سنتی و درنهایت، افزایش حجم کاری مدرسان را شامل می‌شود. (Najafi, 2019) نیز طی پژوهشی نبود درک مناسب از فضای مجازی آموزشی، تأخیر در بازخورد آموزشی، تعویق در یادگیری غیرهمزمان و کمبود انگیزه برای خواندن محتوای الکترونیکی آنلاین و از همه مهم‌تر عدم تعاملات انسانی، عاطفی و ارتباطات چهره به چهره در کلاس و فقدان مهارت‌های ارتباطات اجتماعی و هم‌چنین عدم امکان اجرای برخی فعالیت‌های عملی در کلاس را از نقاط ضعف آموزش الکترونیکی دانسته است.

لیکن بنظر می‌رسد برخی چالش‌های عنوان شده در پژوهش حاضر ماهیتی نبوده و قابلیت اصلاح و بهبود را دارد. از جمله این نکته که معلمان در تدریس در فضای مجازی شاهد کاهش انگیزه دانش‌آموزان نسبت به یادگیری و تحصیل بوده‌اند، با تعدیل نقش معلم اصلاح‌پذیر است.

در پژوهشی Henry Kelly (2004) در بحث تدریس در فضای مجازی عنوان می‌کند تعاملات بین‌فردی، بین آموزش‌دهنده آنلاین و یادگیرندگان برای یادگیری مهم است. وی معتقد است تعاملات بین‌فردی بالا به سطح بالای انگیزش، پیشرفت بالا، نگرش مثبت بیشتر به یادگیری، رضایتمندی بالا از آموزش، اعتماد به نفس در قابلیت‌های یادگیری، تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله و پردازش شناختی بالاتر محتوا منجر می‌گردد. به زعم وی آموزش‌دهنده آنلاین باید دانش‌آموز محور و تعامل محور باشد و نقش تعدیل‌گر/تسهیل‌گر - نه منفعل و نه خیلی فعال و حاکم بر فضای آموزش - داشته باشد. تلاش کند تا از دانش‌آموز سؤال بپرسد تا اینکه بیشتر پاسخگوی سؤالات باشد، بیشتر روی مشارکت دانش‌آموز تمرکز کند تا ارائه اطلاعات. همچنین بنظر می‌رسد تدوین و ارائه دستورالعمل مناسب تدریس در فضای مجازی از سوی متخصصان تربیتی می‌تواند در عدم وقت‌گذاری برخی معلمان به امر تدریس و ارزیابی در شیوه مجازی تدریس کمک‌کننده باشد. تدریس به‌عنوان یک حرفه فرآیند نسبتاً مشخص دارد و تاکنون آموزش‌های تربیت‌معلم یا دوره‌های آموزش خدمت‌ناظر بر کلاس‌های حضوری و نه مجازی بوده است. بدیهی است که شیوه حضور و غیاب، ارزشیابی آغازین، ایجاد انگیزه، ارائه محتوا، جمع‌بندی و شیوه ارزیابی در فضای مجازی می‌تواند مقتضیات خود را داشته و نسبتاً متفاوت از فضای کلاسی باشد. آموزش این مهارت‌ها و فرآیندها می‌تواند در تسلط و موفقیت معلمان در این زمینه کارگشا باشد. (Clary (2004) نیز بر ارتقا و توسعه مهارت‌ها و توانمندی‌های آموزش‌دهندگان در بحث بهره‌گیری هر چه بیشتر از مزایای آموزش الکترونیکی تأکید کرده است.

طی مقاله‌ای Snelling and Fingal (2020) در پی شیوع ویروس کرونا و روی آوردن مدارس سراسر جهان به یادگیری آنلاین، به طرح ایده‌هایی پرداختند که می‌تواند یادگیری آنلاین را موفقیت‌آمیزتر کند. این پژوهشگران معتقدند آموزش چگونگی ورود به شبکه و آموزش رفع مشکلات اتصال به شبکه به والدین و دانش‌آموزان، درخواست از اولیا برای آموزش شیوه کار با نرم‌افزار به دانش‌آموزان کم‌سن، بهره‌گیری از شیوه‌های ارائه محتوا چندگانه (نوشتاری، ویدئویی، صوتی، تصویری)، داشتن تعامل با آموزش‌دهندگان دیگر، بیان انتظارات واضح و شفاف از اولیا و دانش‌آموزان، دادن اجازه انتخاب به دانش‌آموزان برای ارائه تکلیف در شیوه دلخواه خود، ارائه بازخوردهای فوری (یا حداقل مداوم) برای بانگیزه نگه‌داشتن دانش‌آموزان، استفاده از ویدئو کنفرانس، چت زنده و ... برای حفظ تعاملات چهره به چهره، تدارک تکالیف یادگیری مستقل (تکالیفی که خود دانش‌آموز به‌طور مستقل یا با دریافت حداقل حمایت والدین بتواند انجام دهد)، ارائه راهنمایی برای والدین در خصوص اینکه چگونه و در چه حدی فرزندان خود را در یادگیری آنلاین حمایت نمایند، می‌تواند یادگیری آنلاین را ثمربخش‌تر و از کاستی‌های آن بکاهد.

با انتشار مقاله‌ای (Eisenberg, & Escobar (2020) نیز با بیان اینکه همه‌گیری بیماری کرونا باعث تغییر ناگهانی آموزش مدارس و دانشگاه‌ها از آموزش حضوری به آموزش الکترونیکی شده است، نکاتی را برای موفقیت مدرسان در آموزش الکترونیکی برشمرده‌اند. این پژوهشگران بهره‌گیری از آموزش همسال به همسال، ارائه محتوا در فواصل زمانی ناپیوسته، بیان قوانین مشخص تعامل (فراگیر چه موقع و چگونه اجازه سؤال یا رفع اشکال و ... دارد) و توجه دقیق به هدف مورد انتظار در زمان سنجش و ارزشیابی آموخته‌ها را نکات مؤثری در بحث آموزش الکترونیکی دانسته‌اند.

در کنار این چالش‌ها، فرصت‌های آموزش در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد) قابلیت توجه و بهره‌برداری را دارد. جبران عقب‌افتادگی تحصیلی در ایام قرنطینه، افزایش مسئولیت‌پذیری و درگیری بیشتر اولیا با فرآیند یاددهی-یادگیری دانش‌آموزان، افزایش سرعت انتقال اطلاعات و ارائه اطلاعات جدید، ایجاد انگیزه در معلمان برای ارتقاء سواد رسانه‌ای، شناخته شدن معلمان توانمند و خلاق و فراهم شدن زمینه‌ای برای به اشتراک گذاشتن فایل‌ها و تجرب معلمان، افزایش مسئولیت‌پذیری معلمان برای مطالعه بیشتر، جذاب و برانگیزاننده بودن استفاده از آن برای دانش‌آموزان، علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به دانش روز و پژوهش کردن، انعطاف‌پذیری در ساعت شروع کلاس و حذف تردهای پرهزینه، پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان برای ارائه تکالیف به شیوه‌ای نو فرصت‌هایی بود که در پژوهش حاضر به دست آمده است.

در این راستا (Palloff and Pratt (2005 معتقدند تدریس آنلاین می‌تواند نقاط قوت زیادی داشته باشد. این پژوهشگران معتقدند فضای تدریس مجازی می‌تواند محیط یادگیری پویایی فراهم نماید که اشتیاق دانش‌آموزان را افزایش دهد که این امر می‌تواند سطح یادگیری دانش‌آموزان را ارتقا بخشد. در پژوهشی (Clark-Ibanez and Scott (2008 نشان دادند، در یک کلاس آنلاین از ۵۲ دانش‌آموز، ۲۷ درصد از دانش‌آموزان بیان نمودند که کیفیت یادگیری‌شان همسان کلاس‌های چهره به چهره و ۵۰ درصد از دانش‌آموزان سطح یادگیری‌شان را حتی بالاتر از کلاس‌های حضوری ارزیابی کرده‌اند. دانش‌آموزانی که سطح یادگیری خود را بالاتر از یادگیری حضوری عنوان کرده بودند، بیان کردند که در کلاس‌های آنلاین بیشتر یاد می‌گیرند چون فکر می‌کنند که فرصت بیشتری برای مشارکت در کلاس دارند. دانش‌آموزان در این پژوهش عنوان نمودند که کلاس آنلاین به دانش‌آموزان فرصت بیشتری در خصوص بیان آزادانه و صریح ایده‌های فکری می‌دهد، کمک می‌کند تا دانش‌آموزان بیشتر درباره‌ی خود و سبک یادگیری‌شان یاد بگیرند و دانش‌آموزان را برای یادگیری باانگیزه نگه می‌دارد. در این پژوهش یکی از مهم‌ترین پاسخ‌ها در مورد تفاوت بین کلاس چهره به چهره و کلاس‌های آنلاین سطح مشارکت دانش‌آموزان بود. با مدنظر قرار دادن این چالش‌ها و فرصت‌ها شاید بتوان گفت شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد) می‌تواند در زمان بازگشایی مدارس به‌عنوان مکمل آموزش حضوری بکار گرفته شود. با این تعطیلات ناخواسته مدارس و تداوم صددرصد آموزش رسمی مدارس در فضای مجازی، بنظر می‌رسد یادگیری از راه دور یا همان یادگیری الکترونیکی، عنصری مهم در سیستم‌های

آموزشی و پرورشی آینده خواهد بود و توسعه این شیوه، امری حتمی و ضرورتی انکارناپذیر برای دولت‌ها به شمار می‌رود. بهره‌گیری از آموزش مجازی در کنار آموزش حضوری مدارس می‌تواند تضمین‌کننده یادگیری دانش‌آموزان باشد و به زعم آنچه Ceylan and Vaughan, 2007; Kesici and (2014) آن را آموزش ترکیبی یا رویکرد راهبردی قرن ۲۱ نامیده‌اند، با تلفیق نقاط قوت دو شیوه آموزش حضوری و آنلاین می‌توان در ارتقا کیفیت یادگیری گام مؤثرتری برداشت. افزایش یادگیری در نتیجه اجرای برنامه آموزش ترکیبی در پژوهش‌ها نیز نشان داده شده است (Rajabi, 2017). Zandi, Ekradiand Shakeri, (2017) در راستای تکمیل این پژوهش، پرداختن به ویژگی‌های مثبت و منفی قابلیت‌ها و بسترهای فضای مجازی می‌تواند گامی مؤثر در شناسایی تأثیر فضای مجازی نظام تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش است؛ بنابراین پیش از توسعه فضای مجازی باید به نظام تولید و سازمان‌دهی الکترونیک اطلاعات علمی، فرهنگی براساس استانداردهای قابل‌تبادل در شبکه اهتمام داشت و بودجه‌هایی را به این امر اختصاص داد. پژوهش‌های انجام یافته قبلی نیز بر آماده نبودن بستر فرهنگی- اجتماعی، آموزشی و سازمانی جهت ورود ابزارهای الکترونیکی به فرآیند تدریس و یادگیری دانش‌آموزان صحه گذاشته‌اند (Asadian, Gholizadeh Ahmadabad and Maahoudi, 2018). تدوین و اجرای قوانین موردنیاز و روزآمد در حوزه ارتباطات شبکه‌ای بسیار اساسی است. هم‌چنین باید فرهنگ‌سازی را در رأس برنامه‌های آموزشی خود قرار داده و فرهنگ صحیح استفاده از امکانات فضای مجازی را خصوصاً به نوجوانان و کودکان آموزش داد.

References:

- Apergi, A., Anagnostopoulou, A., & Athanasiou, A. (2015). E-Learning for Elementary Students: The Web 2.0 Tool Google Drive as Teaching and Learning Practice. *World Journal of Education*, 5(3), 1-7.
- Asadian, S., Gholizadeh Ahmadabad, h., & Maahoudi, Gh. (2018). Feasibility and Pathology of Tablet Entry into the Teaching and Learning Process. *Journal of Research in Teaching*, 6(2), 49-68. [In Persian]
- Banonis, B.C. (1989). The lived experience of recovering from addiction: a phenomenological study. *Nursing Science Quarterly* 2, 37- 42.
- Ceylan, V. K., & Kesici, A. E. (2017). Effect of blended learning to academic achievement. *Journal of Human Sciences*, 14(1), 308-320.
- Chen, N. S., Kinshuk, Wei, C. W., & Yang, S. J. (2008). Designing a self-contained group area network for ubiquitous learning. *Journal of Educational Technology & Society*, 11(2), 16-26.
- Clark-Ibanez, M., & Scott, L. (2008). Learning to teach online. *Teaching Sociology*, 36(1), 34-41.
- Colaizzi, P. F. (1969). *The descriptive methods and the types of subject-matter of a phenomenologically based psychology exemplified by the phenomenon of learning* (Doctoral dissertation, ProQuest Information & Learning).
- Colaizzi, P.F. (1978) Psychological research as a phenomenologist views it. In: Valle, R.S. and King, M., Eds., *Existential-Phenomenological Alternatives for Psychology*, Oxford University Press, New York, 48-71.

- Cranston, N., Mulford, B., Keating, J., & Reid, A. (2010). Primary school principals and the purposes of education in Australia. *Journal of Educational Administration*.
- Denzin, N. K., & Giardina, M. D. (Eds.). (2010). *Qualitative inquiry and human rights*. Left Coast Press.
- Diekelmann N, Allen D., & Tanner C (1989). The NLN Criteria for Appraisal of Baccalaureate Programs: A Critical Hermeneutic Analysis. NLN Press, New York.
- Eisenberg, J., & Escobar, A. (2020). COVID-19: 10 steps for transferring your course online. Retrieved from <https://www.weforum.org/agenda/2020/03>.
- Fars News Agency. *Two dead in Qom because of coronavirus*. Retrieved February 19, 2020, from <https://www.farsnews.ir/news/13981130001098>. [In Persian]
- Garrison, R., & Vaughan, N. (2007). Blended learning and course redesign in higher education: Assessing the role of teaching presence from the learner perspective. University of Calgary.
- Güzer, B., & Caner, H. (2014). The past, present and future of blended learning: an in depth analysis of literature. *Procedia-social and behavioral sciences*, 116, 4596-4603.
- Ha, C., Lee, S. Elementary teachers' beliefs and perspectives related to smart learning in South Korea. *Smart Learn. Environ.* 6(1), 3 (2019). <https://doi.org/10.1186/s40561-019-0082-5>
- Iranian Ministry of Education. *Latest number of registered users on the Students Education Network (SHAD)*. Retrieved April 21, 2020, from <https://www.medu.ir/fa/news/item/1160075>. [In Persian]
- IRNA. *Coronavirus in 202 countries, casualties increasing*. Retrieved March 30, 2020, from <https://www.irna.ir/news/83732558>. [In Persian]
- IRNA. *Opportunities and challenges of SHAD*. Retrieved April 18, 2020, from <https://www.irna.ir/news/83755016>. [In Persian]
- Liu, N., Zhang, F., Wei, C., Jia, Y., Shang, Z., & Sun, L. (2020). Prevalence and predictors of PTSS during COVID-19 outbreak in China hardest-hit areas: Gender differences matter. *Psychiatry Research*, 287 (March), Article 112921. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2020.112921>.
- Najafi, H., (2020). Comparison of the effects of blended and traditional teaching methods in learning. *Research in Medical Education*, 11(2), 54-63. [In Persian]
- OECD (2011). "Education and skills", in OECD, Better Policies for Development: Recommendations for Policy Coherence, OECD Publishing. doi:978964115958/10.1787-20-en.
- Palloff, R. M., & Pratt, K. (2005). Learning online: A collaborative approach. In *Distance Learning, 2002: Proceedings of the Annual Conference on Distance Teaching and Learning* (18th, Madison, Wisconsin (p. 279).
- Parhizi, R., Zamani, B., & Asemi, A. (2014). Challenges of Virtual Learning. *Journal of Educational Technology*, 7, 40-43. [In Persian]
- Polkinghorne, D. (1983). *Methodology for the human sciences: Systems of inquiry Albany*. NY: State University, 1.
- Rajabi, H.A., Zandi, B., Ekradi, E., & Shakeri, M. (2017). Studying the Effect of Teaching and Teaching Combined on Students' Learning; A Case Study of Technical and Vocational Courses. *Journal of Research in Teaching*, 5(2), 69-81. [In Persian]
- Rouz News. *How did different methods of virtual learning end up with "SHAD"?* Retrieved April 13, 2020, from <https://rouz.news/393131>. [In Persian]

- Snelling, J., & Fingal, D. (2020). 10 strategies for online learning during a coronavirus outbreak. Retrieved from <https://www.iste.org/explore>
- Syarifah, M., & Handayani, H. Elementary School Teachers' Conception of E-learning and Blended Learning. *JOURNAL OF TEACHING AND LEARNING IN ELEMENTARY EDUCATION (JTLEE)*, 2(1), 29-37.
- Tasnim News Agency. *Teachers and students' criticisms to SHAD. A restriction renders SHAD useless.* Retrieved April 23, 2020, from <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/02/04/2248215>. [In Persian]
- Times, the New York (2020-01-30). "Coronavirus Live Updates: W.H.O. Declares a Global Health Emergency". ISSN 0362-4331. Retrieved 2020-01-30.
- Traphagan, T., Kucsera, J. V., & Kishi, K. (2010). Impact of class lecture webcasting on attendance and learning. *Educational technology research and development*, 58(1), 19-37.
- UNESCO (4 March 2020). "290 million students out of school due to COVID-19: UNESCO releases first global numbers and mobilizes response". UNESCO. Retrieved 6 March 2020.

